

تلاش برای تعالی

ارزش‌هایی که تار و پود جامعه را می‌تنند و در زندگی اجتماعی چهره می‌نمایند، بسیارند. پیوستگی و تنیدگی این ارزش‌ها بر کسی پوشیده نیست.

نگاه راهبردی به ارزش‌های اجتماعی

تلاش، داء، تعالی، ارزش‌هایی که تار و پود جامعه را می‌تنند و در زندگی اجتماعی چهره می‌نمایند، بسیارند. پیوستگی و تنیدگی این ارزش‌ها بر کسی پوشیده نیست.

ولی ترسیم نظام ارزش‌های اجتماعی و گزینش کردن والاترین ارزش و انگشت نهادن بر ارزش معیار در بستر اجتماع، از دشوارترین داورها و در عین حال از سرنوشت‌سازترین آنها در حوزه فرهنگ، سیاست، اقتصاد و اجتماع، به شمار می‌رود. همواره این پرسش، فکر و ذهن اندیشمندان را به‌خود مشغول داشته است که گوهر ارزش‌ها و کلید و میزان برتری‌ها در جامعه انسانی کدام است؟ آن چیست که اگر نباشد، در جامعه ناهمگونی و ناسازگاری پدید می‌آید و اگر باشد، جامعه سامان می‌یابد و رو به تکامل می‌نهد؟ ارزش‌های اجتماعی است که مبنا و اساس بینش و کنش انسانی را تشکیل می‌دهند و همسانی آنها موجبات پیدایش مجموعه نظام ارزشی را فراهم می‌سازد.

در ادامه مباحث اجتماعی- فرهنگی مورد کنکاش #171؛ برنامه‌ای برای پیشرفت و عدالت» ارزش‌های اجتماعی به‌عنوان یکی دیگر از مهم‌ترین مباحث مطروحه حوزه فرهنگ، مورد بررسی کارشناسانه قرار گرفته است که از نظر تان خواهد گذشت. در این نوشتار در گام آغازین به بررسی واژگانی این موضوع پرداخته می‌شود و سپس ماهیت ارزش‌های اجتماعی مورد کنکاش قرار خواهد گرفت و در نهایت کارکردها و جنبه‌های متفاوت آن بررسی خواهد شد.

واژه Value به‌معنای ارزش، در اصطلاح، عقیده یا باور نسبتاً پایداری است که فرد یا اجتماع با تکیه بر آن، یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را که نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می‌دهد و مدل‌های کلی رفتار، احکام جمعی، هنجارهای کرداری، ارزش‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند که با پذیرش عمومی همراه است. این ارزش‌ها لزوماً از دیگر اقسام ارزش مانند ارزش شخصی، فرهنگی، قضایی و ... متمایز نیستند. اینها شامل انواع ارزش‌ها هستند که افراد با آنها حیات اجتماعی را می‌گذرانند و اعضای یک جامعه در برابر آنها به نوعی وفاق دست می‌یابند. در معنایی محدودتر، گاهی از ارزش‌های اجتماعی تحت عنوان ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و دینی سخن می‌رود که یکپارچگی اجتماعی را قوام می‌بخشد و به گسترش پیوندهای مبتنی بر همبستگی می‌انجامد. بدین‌سان، عدالت، نوع‌دوستی و ... جزو ارزش‌های اجتماعی محسوب می‌شوند.

مفهوم ارزش از مفاهیمی است که بسیاری از محققان در حوزه‌های مختلف به آن توجه کرده‌اند که این خود، موجب ابهام در به‌کارگیری آن در هر رشته تخصصی شده است. ارزش در علوم اجتماعی نیز معانی مختلفی یافته است که در سه دسته‌بندی عمده جای می‌گیرد: ارزش‌های اقتصادی، ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی اما به زعم ویلیامز (1921Raymond-1988) Williams؛ در دو معنای اصلی قرار دارند، یکی از آنها صراحتاً ارزش‌های اجتماعی نام دارد که منظور چیزهای مطلوب و ارزنده‌ای است که افراد جامعه بدان توجه دارند و در رسیدن به آن تلاش می‌کنند. ارزش در معنای دوم، معیار و ضابطه قضاوت اخلاقی درباره امور مختلف است که وی آن را ارزش‌های فرهنگی می‌داند؛ مانند #171؛ توانا بود هر که دانا بود» که بر عنصر دانایی تأکید می‌کند.

ماهیت ارزش‌های اجتماعی

ارزش‌ها، احساسات عمیقی هستند که اعضای جامعه در آن سهیم‌اند، همین احساسات غالباً اعمال و رفتار اعضای جامعه را تعیین می‌کنند. بنابراین در هر جامعه‌ای با توجه به‌خصوصیات فرهنگی آن، مقولات، معیارها و مفاهیمی با ارزش قلمداد می‌شوند. ارزش‌های اجتماعی، درحقیقت مفاهیمی هستند که برای افراد یک جامعه معین، با ارزش و مقبول هستند.

جامعه‌شناسان غربی ارزش‌ها را تولید عقل می‌دانند. طبق تعریفی از آنها، ارزش‌ها اساساً نوعی مسئله اعتقادی است که می‌توان به وسیله پژوهشی اجتماعی یا روان‌کاوی که صدق و توجیه آن ممکن نیست، وجود آنها را کشف کرد. درعین حال، ارزش‌ها منبع نهایی هرگونه رفتار منطقی هدفدار و آگاهانه هستند. اما جامعه‌شناسان مارکسیسم، معتقدند تعامل مردم، ارزش‌ها و رابطه آنها با نیازهای اجتماعی را مشخص نمی‌کند بلکه این منافع طبقاتی است که آنها را مشخص می‌کند. همچنین پیروزی در نزاع طبقاتی، به میزان تطابق ارزش‌های اجتماعی‌ای که یک طبقه در راه آنها مبارزه می‌کند، با ارزش‌های عینی تاریخ بستگی دارد.

در فرهنگ اسلام و قرآن نیز از ارزش‌های اجتماعی بسیاری به‌عنوان برترین و بهترین‌ها یاد شده است. گاه، علم و عالمان، در جایگاه بلندی قرار می‌گیرند:

#171؛ ... یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات؛ ... خدا رتبه کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند بلند گرداند».

گاه، جهاد و مجاهدان:

#171؛ فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما؛ خداوند، مجاهدان را بر خانه‌نشینان به پاداشی بزرگ برتری بخشیده است».

و در سوره حجرات، پس از بیان گوناگون بودن انسان‌ها، قبیله‌ها و شعبه‌های اجتماعی، از «تقوا» به عنوان بهترین ارزش نزد خدا، یاد شده است:

171#؛ ان اكرمکم عندالله اتقيکم؛ در حقیقت، ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

در این نگرش، دانش و جهاد و تقوا معیارهای ارزشی والایی هستند که میان دیگر ارزش‌های فردی و اجتماعی درخشندگی و نمود بیشتری دارند ولی با همه این برتری‌ها قرآن از میزان و معیار دیگری سخن گفته است که بستر این ارزش‌ها به شمار می‌رود:

171#؛ اعدلوا هو اقرب للتقوى؛ عدالت کنید که آن، به تقوا نزدیک‌تر است.

اگر در جامعه‌ای عدالت رخ بنماید و تلاش برای بسامان آوردن زندگی مسلمانان به عنوان وظیفه‌ای عمومی و اجتماعی جایگاه خود را پیدا کند و استضعاف‌گرایی و استکبارستیزی و بخشیدن حق به صاحبان آن، از باب تکلیف و وظیفه دینی، فرهنگ شود، بی‌گمان علم و دانش در بستر ایمان بالنده‌تر شده و جهاد و دفاع، همگانی‌تر می‌شود و تقوا و خویش‌ن‌بانی هم آسان‌تر به وجود می‌آید.

در محیطی که عدالت حاکم است، ارزش‌های دیگر زمینه رشد و رویش بیشتری می‌یابند.

به همین جهت، قرآن از عدالت به عنوان «میزان» نام برده است:

171#؛ والسماء رفعها ووضع المیزان الا تطغوا فی المیزان واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان؛ و آسمان را بر افراشت و ترازو را گذاشت تا مبادا از اندازه درگذرید و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید.

میزان، آن وسیله‌ای است که حقیقت و اندازه پدیده‌های مادی و معنوی بدان سنجیده می‌شود. در مادیات، ترازو، متر و ... وسیله سنجشند و در معنویات، وحی و عقل و فطرت.

میزان و اندازه‌گیری و ابزار سنجش در هر چیزی، مناسب با آن است. از این روی، در قیامت «حق» میزان است: 171#؛ و الوزن یومئذ الحق.

171#؛ بالعدل قامت السموات والارض.

در آیه شریفه زیر نیز خداوند از میزان فرو فرستاده شده از نزد خود، سخن می‌گوید:

171#؛ لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط...؛ به راستی پیامبران خود را با دلایلی آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند. مقصود از میزان در این آیه، به یقین ترازوهای حسی و مادی نیست بلکه اشاره به معیاری است که ارزش‌ها و ضدارزش‌ها و نیک و بدیهای اجتماعی را بتوان با آن باز شناخت و از یکدیگر جدا ساخت و آن، جز حکم‌ها و قانون‌های الهی و دین و آیین وحیانی چیز دیگری نیست.

گزیده سخن آن که قرآن، بذر اندیشه عدل را در دل‌ها کاشت و آن را به خوبی آبیاری کرد. به همان اندازه که از عدل فردی به عنوان روح ارزش‌ها و معیار آن و سنگ‌زیرین ارزش‌های والای انسانی یاد کرده، از عدل در چهره‌های گوناگون تکوینی، تشریعی، اخلاقی و اجتماعی آن نیز به شایستگی یاد کرده است و با این خط‌کش معنوی، همه امور مربوط به زندگی فردی و اجتماعی انسان، ارزیابی شده است.

درخصوص خلقیات و ارزش‌های اجتماعی ایرانیان نظرات متفاوتی ارائه شده است؛ برخی صرفاً به مدح فرهنگ ایرانی و رواج ارزش‌های مثبت و برخی نیز صرفاً به ارزش‌های منفی رایج اشاره کرده‌اند یا آنکه هر دو قسم را کنار یکدیگر دیده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که از میزان تمایل به رایج دانستن ارزش‌های مثبت کاسته شده و میزان رایج دانستن ارزش‌های منفی بیشتر شده است. داده‌ها تاحدودی حکایت از بدبینی نسبت به نظام اجتماعی و ارزش‌های مثبت سازنده آن دارد و پاسخگویان عموماً تصور منفی در شخصیت ایرانیان را بیشتر از ارزش‌های مثبت می‌دانند.

یافته‌ها حاکی از آن است که ایرانیان رواج ارزش خیرخواهی را متوسط، امانتداری را کم، گذشت را زیاد، پابندی به قول و قرار را کم، صداقت و راستگویی را کم و انصاف را نیز کم ارزیابی می‌کنند، در مقابل، از منظر پاسخگویان ارزش‌های منفی رواج بیشتری از ارزش‌های مثبت داشته و تقلب و کلاهبرداری را بیشتر از سایر ارزش‌های منفی رایج می‌دانند. تملق و چاپلوسی (6/64 درصد در موج اول پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، 8/72 درصد در موج دوم)، تزویر و تظاهر (6/64 درصد در موج اول و 3/69 درصد در موج دوم) از منظر پاسخگویان رایج است.

پژوهش دیگری که مکمل این تحقیق محسوب می‌شود متغیرهای دخیل در فرایند تغییر ارزشی را نشان می‌دهد. پژوهش یادشده (تحقیق و بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی ساکنان مناطق شهری کشور در سال 1374) به دنبال نشان دادن عناصری است که در فرایند تغییر ارزشی جایگاه مهم‌تری دارند. در این پژوهش اولویت‌های ارزشی ایرانیان مورد بررسی قرار گرفته و پاسخگویان به ترتیب:

1- سلامت

2- آبرو

3- درستکاری

4- علم و دانش

5- ثروت

6- مقام و شهرت

را در اولویت‌های ارزشی خود قرار داده‌اند. در همین پژوهش نشان داده شده است که بینش نسبتاً خوش‌بینانه‌ای در مورد برخی صفات مثبت ایرانیان وجود دارد. 5/45 درصد مردم، ایرانیان را با گذشت می‌دانند و تنها 6/3 درصد مردم اعتقاد دارند ایرانی‌ها باگذشت نیستند اما در عوض در مورد نکات منفی اخلاقی نیز بدبینی‌های زیادی وجود دارد، به عنوان مثال تنها 4/22 درصد مردم

عقیده دارند هموطنان آنان از راستگویی زیاد برخوردارند (عبدی، 1378).

اگرچه به هیچ روی نمی‌توان وضعیت جامعه ایرانی را به لحاظ نظام ارزشی دچار یک نوع بحران بی‌هنجاری دانست اما نمی‌توان چشم را به وضعیت نه چندان مساعد ارزشی نیز بست و آن را نادیده گرفت. اگرچه وجه نظر مشابهی پیرامون ارزش‌های مثبت و منفی ایرانیان وجود دارد و نمی‌توان نگرش مردم را نسبت به یکدیگر کاملاً بدبینانه دانست اما نباید از یاد برد که با رشد و توسعه جامعه ایران، تمایل به سمت ارزش‌های مادی بیش از پیش افزایش می‌یابد و این خود ضرورت‌هایی را پیش روی متولیان امر قرار خواهد داد. ابهام در ارجحیت‌های ارزش‌گذاری، افزایش تمایلات مادی‌گرایانه و به تبع آن سست‌شدن بسیاری از اعتقادات اخلاقی در کنار تعارضات ارزشی از جمله مسائلی هستند که جامعه درگیر آنهاست که به نظر می‌رسد با تقویت گروه‌های مرجع که به نوعی متولیان مسائل ارزشی و اخلاقی هستند، بتوان تا حدی بر این شرایط فائق آمد و سبک زندگی ایرانی - اسلامی را جایگزین وضعیت کنونی کرد. مسئله نگرانی از کمرنگ‌شدن ارزش‌های اخلاقی، دغدغه‌ای واقعی به نظر می‌رسد. نتایج پیمایش‌های ملی نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. اگرچه هنوز نفی کامل رواج ارزش‌های مثبت اخلاقی و پذیرش رواج اجتماعی ارزش‌های منفی در میان ایرانیان دیده نمی‌شود، با وجود این نشانه‌های متعدد و قابل اعتنایی درخصوص نگرش منفی به حوزه رواج ارزش‌ها وجود دارد.

تولید و بازتولید ارزش‌ها، پیرایش ارزش‌ها و ارائه تعاریف و الگوهای جدید متناسب با مقتضیات، شرایط نوین جهانی و تقاضای نسل جوان کنونی، به همبستگی و تقویت ارزش‌های مثبت و کم‌اهمیت شدن ارزش‌های منفی کمک می‌کند. ذکر این نکته ضروری است که رواج نگرش‌های ارزشی درخصوص نگرانی از وضع موجود اجتماعی لزوماً به معنی کثرت رواج کنش اجتماعی نیست زیرا داده‌های موجود، شیوع مثلاً کلاهبرداری را در سطح گسترده تأکید نمی‌کند، بلکه بخشی از نگرش‌های منفی ناشی از ویژگی‌های فرهنگ ایرانی است که باید در ارزیابی‌ها مورد توجه باشد. طبق یک بررسی که دفتر طرح‌های ملی در سال 1383 انجام داده است، نگرش اجتماعی در مورد اینکه هنجارهای اخلاقی زیر در جامعه زیاندن به شرح زیر است:

یافته‌ها در مورد وضعیت ارزش‌های اجتماعی در جامعه ایران نشان می‌دهد که از میزان تمایل به رایج‌دانستن ارزش‌های مثبت کاسته شده و میزان رایج‌دانستن ارزش‌های منفی بیشتر شده است و داده‌ها، تاحدودی حکایت از بدبینی نسبت به نظام اجتماعی و ارزش‌های مثبت سازنده آن دارد و مردم عموماً تصور منفی در شخصیت ایرانیان را بیشتر از ارزش‌های مثبت می‌دانند و در مورد نکات منفی اخلاقی بدبینی‌های زیادی وجود دارد. لذا ما در جامعه با وضعیت نه چندان مساعد ارزشی روبه‌رو هستیم.

اگرچه نمی‌توان نگرش مردم را نسبت به یکدیگر کاملاً بدبینانه دانست، اما نباید از یاد برد که در دو دهه گذشته در جامعه ایران، تمایل به سمت ارزش‌های مادی بیش از پیش افزایش یافته است. با وجود اینکه هنوز نفی کامل رواج ارزش‌های مثبت اخلاقی و پذیرش رواج اجتماعی ارزش‌های منفی در میان ایرانیان دیده نمی‌شود، اما نشانه‌های متعدد و قابل اعتنایی درخصوص نگرش منفی به حوزه رواج ارزش‌ها وجود دارد. در یک جامعه حتی اگر ارزش‌های اجتماعی منفی رواج نیافته باشد اما احساس عمومی بر رواج آن باشد تأثیرات منفی این احساس باعث کاهش سطح اعتماد اجتماعی و ضربه‌پذیرشدن استحکام و همبستگی جامعه خواهد شد و اگر به‌طور واقعی ارزش‌های منفی اجتماعی رواج یابند تأثیرات نامطلوب آن چندبرابر خواهد شد. بنابراین باتوجه به نوع جامعه ایران و غالب بودن دین در آن، تلاش برای رواج ارزش‌های مثبت باید سرلوحه کار دولتمردان قرار گیرد.

جامعه ایرانی دچار بحران ارزشی و بی‌هنجاری نیست اما چالش‌ها و آسیب‌هایی وجود دارد. کمرنگ‌شدن برخی ارزش‌های اخلاقی موجب نگرانی جامعه ایرانی است. از منظر پاسخگویان ایرانی در موج اول و دوم نگرش‌سنجی‌ها، ارزش‌های منفی رواج بیشتری از ارزش‌های مثبت یافته است. کاهش ارزش‌های اخلاقی به همبستگی عمومی و روند توسعه کشور آسیب وارد می‌کند. در آن دسته از ارزش‌های اجتماعی که به دفاع از نظام و انقلاب باز می‌گردد، شرایط امیدوارکننده است.

با درنظر گرفتن این مقوله که هر فردی برای خود اهدافی را به‌وجود می‌آورد، فرهنگ نیز مجموعه‌ای کلی از اهداف را برای اعضایش تدارک می‌بیند. ارزش‌های اجتماعی از نظر اخلاقی، تعیین‌کننده اهمیت و صحت پدیده اجتماعی هستند. ارزش‌ها قابل ادراکند، بار عاطفی دارند، میان تعداد زیادی اشخاص و گروه‌ها مشترکند و با الزام خارجی همراهند و به‌عنوان هنجارهای قضاوت به‌کار می‌روند. بنابراین ارزش‌ها، اهداف فکر و عمل اجتماعی نیستند بلکه به‌عنوان معیار برای یافتن اهداف و مسیرهای رسیدن به اهداف استفاده می‌شوند که حضور اجتماعی آنان نتایج اجتماعی را به‌بار می‌آورد، همچنین ارزش‌ها ممکن است در مواردی جنبه مشخص و عینی داشته باشند، مانند احترام به والدین و... یا اینکه حالت کلی‌تر و انتزاعی‌تری داشته باشند، مانند سلامتی، عشق یا مردمسالاری. ارزش‌ها بر رفتار افراد مؤثرند و به‌عنوان ضابطه‌ای جهت ارزیابی اعمال دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرند. معمولاً میان ارزش‌ها، هنجارها و قضاوت‌ها با نحوه عکس‌العمل جامعه پیوندی ناگسستنی وجود دارد؛ به‌عنوان نمونه، در جامعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و دینداری یک ارزش تلقی شده، مطمئناً شهادت و ایثار به‌خودی خود ایجاد می‌شود. در جوامع صنعتی پیشرفت مادی و رقابت، از ارزش‌های مهم هستند و حال آنکه در یک جامعه غیرصنعتی به ارزش‌های دیگری بهای بیشتری داده می‌شود.

حال کشورمان در مسیر صنعتی‌شدن با تکیه به ارزش‌های پیشین باید در به‌روزرسانی آنها و انتقال آن به نسل بعدی، گام اساسی بردارد تا نه‌تنها برای حفظ آنان اقدام کند بلکه در پیدایش و تولید ارزش‌های جدید با تکیه بر هنجارهای موجود بومی، مانع از ورود ارزش‌های بیگانه به درون متن جامعه شود. در این راستا اقدامات ذیل به نظر می‌رسد کارساز باشد:

- 1- تلاش برای اهتمام مردم به حل مشکلات یکدیگر و تقویت حس همکاری و مشارکت و عفو و بخشش در بین مردم
- 2- ترویج صداقت و صمیمیت در جامعه و ارتقای شاخص ارزش‌های اجتماعی در مورد درستکاری
- 3- حلال و حرام و پرهیز از دروغ‌گویی، غیبت، چاپلوسی و ریاکاری
- 4- سازمان صدا و سیما از طریق تولید برنامه‌های هدفمند نسبت به تبیین و ترویج ارزش‌ها و هنجارهای انضباط اجتماعی،

وجدان‌کاری، نظم و برنامه‌ریزی، ادب اجتماعی، ادب در محیط خانواده، احترام به والدین، احترام به معلم، احترام به حق دیگران، امانتداری، درستکاری، احساس مسئولیت، اعتماد به نفس ملی، حفظ کرامت انسانی، حق طلبی، زیبایی‌طلبی، نفی مصرف‌زدگی، حیا و عفت فردی و اجتماعی و دیگر شاخص‌های اجتماعی اقدام می‌کند.

5- ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نظام نظارت عمومی و فرهنگ‌سازی برای ارتقای فرهنگ جامعه در برخورد با هنجارشکنی و ارتقای اخلاق عمومی و تلاش برای درونی کردن ارزش‌ها و کاهش رواج ارزش‌های منفی اجتماعی و کاهش فرهنگ واسطه (توصیه، سفارش، پارتی‌بازی و...)

6- روزآمدسازی ارزش‌های سنتی به اقتضای شرایط مکانی و زمانی و شناسایی و تقویت آموزه‌های فرهنگی سازگار با توسعه بر مبنای احکام اسلامی.

ارزش‌ها	سال 1379	سال 1382
گذشت	20/2	13
امانتداری	22/9	16/9
انصاف	14	8/9
کمک به دیگران	29/3	25/6
صداقت و راستگویی	15/1	8/9
پایبندی به قول و قرار	17/6	11/6
دورویی و تظاهر	68/2	68/2
تقلب و کلاهبرداری	73/9	74/7
تملق و چاپلوسی	68/3	72/9